

خبر

دل‌نوشته حسین علیزاده برای در گذشت استادش

بخش فرهنگی – حسین علیزاده به مناسبت درگذشت هوشنگ ظریف، نوازنده تار، آهنگساز و استاد موسیقی ایرانی، دل‌نوشته‌ای را منتشر کرد. هوشنگ ظریف، موسیقی‌دان پیشکسوت کشورمان، شامگاه شنبه ۱۷ اسفند درگذشت. او در بیش از ۶ دهه تدریس موسیقی و نوازندگی، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. حسین علیزاده، نوازنده و آهنگساز سرشناس، از جمله شاگردان هوشنگ ظریف بوده است که به مناسبت درگذشت استادش، دل‌نوشته زیر را منتشر کرده:

زندگی را به عاشقانش سپرد
و رقص انگشتانش در حرکتند
تا از نغمه‌هایش زندگی جاری بماند
عطر عشق، عطر زندگی را
در وجودمان دمید
تا عاشق بمانیم و از پادش شاد شویم
ظریف افسانه بود …

●●●●●

پایان تصویربرداری «پایتخت ۶» در مازندران

بخش فرهنگی – تصویربرداری فصل ششم مجموعه تلویزیونی «پایتخت» به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری در شیرگاه مازندران به پایان رسید.

تصویربرداری «پایتخت۶» در شیرگاه مازندران به پایان رسید و تاکنون بیش از ۹۰ درصد از این سریال ضبط شده است. ادامه تصویربرداری این سریال قرار است در تهران انجام شود.

فصل ششم مجموعه تلویزیونی پایتخت در ۱۵ قسمت برای پخش در نوروز ۹۹ از شبکه یک سیما ساخته می‌شود. محسن تائبنده، ریما رامین‌فر، احمد مهران‌فر، مهران احمدی، هومن حاجی‌عبداللهی، بهرام افشاری، نسرین نصرتی، سارا و نیکا فرقانی، علویه جاوید، سلمان خطی، ابوالفضل رجبی و غلامعلی رضایی، بازیگران اصلی این سریال هستند.

آرش عباسی (نویسنده فیلمنامه)، فرشاد گل‌سفیدی (مدیر فیلمبرداری) و مجید اسکندری (طراح گریم) از دیگر عوامل این سریال هستند. چندی است از صحنه‌های جلوی دوربین و پشت دوربین این سریال هم به‌تازگی منتشر شده است.

●●●●●

کرونا، تولید فیلم «رو در رو» را متوقف کرد

بخش فرهنگی – باشگاه خبرنگاران جوان نوشت: تولید جدیدترین فیلم بلند سینمایی حسین شهبایی به علت شیوع ویروس کرونا متوقف شد. حسین شهبایی، کارگردان سینما، درباره آخرین وضعیت تولید فیلم سینمایی «رو در رو» گفت: «قرار بود قبل از عید نوروز پیش تولید آن را آغاز کنیم؛ اما به علت شیوع ویروس کرونا کار را متوقف و به پس از عید زمانی که شرایط مساعد شد، موکول کردیم.» این فیلم موضوعی اجتماعی درباره جوانان دارد و بجز چند بازیگر اصلی، از بازیگران شناخته شده سینما بهره خواهد برد و مابقی بازیگران همه از میان هنرجویان جوان انتخاب خواهند شد. آخرین فیلم بلند سینمایی حسین شهبایی «آزاد به قید شرط» بود که در سال ۱۳۹۵ تولید شد.

●●●●●

عصبانیت «عموپورنگ» از مسافران شمال به جان خودتان هم رحم نمی کنید؟

بخش فرهنگی – داریوش فرضیایی مجری کودک و نوجوان با نام هنری «عموپورنگ» با انتشار ویدئوهایی از ترافیک در جاده چالوس در صفحه اش از سفر به مناطق شمالی کشور انتقاد کرد. او نوشت: «واقعا جای تأسف داره!»

اینهمه دارن میکن لطفای بیرون نیابیده، مراقب باشید وضعیت خطرناکه، بازم ملت بار و بندیل رو بستند و راهی شمال شدن تازه بعضی هاشون با افتخار از این کارشون فیلم گرفتن و نوشتن: بالاخره تونستیم از کندوان رد بشیم خدا وکیلی خودتون بگید با این افراد باید چیکار کرد؟ این‌هایی که حتی به جان خودشون هم رحم نمیکند »

●●●●●

پیام محمدعلی موحد در روزهای کرونایی

بخش فرهنگی – محمدعلی موحد در پیامی به مناسبت روز پدر، از وضعیت این روزها در پی شیوع ویروس کرونا و غم آن انبوه جماعتی که بر دلش نشسته است می‌گوید.

این عرفان‌پژوه، تاریخ‌نگار، حقوق‌دان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این پیام که به صورت تصویری هم منتشر شده است، با تشبیه این وضعیت به جنگی دهشتناک با دشمنی که ما آن را نمی‌بینیم اما او ما را می‌بیند و با یاد کردن از پزشکان و پرستاران به عنوان خط مقدم این جبهه، می‌گوید: «غم آن انبوه جماعتی بر دل من نشسته است که برای ادامه زندگی محتاج کار روزانه‌اند. کارگران دستمزدبگیر، در سطوح مختلف، پشت میز اداره، پشت فرمان خودرو، پای ماشین کارگاه، کارگرانی که باید تمام روز را با خاک و گل و سنگ و سیمان پنجه درافکنند تا بتوانند دم غروب قوت لایموتی برای زن و بچه خود ببرند. یقین دارم که توقف فعالیت‌ها عرصه را بر آنان تنگ‌تر خواهد کرد. به فکر آنان باشیم. مردان و زنان بارشرف و آبروداری را که در تنگنا افتاده‌اند فراموش نکنیم.» موحد همچنین در بخشی از این پیام بیان می‌کند: «روزگار بدی است. اما اصلا و ابدا شک نکنید که در جنگ میان مرگ و زندگی، زندگی پیروز خواهد شد. مبادا که جوان‌هایی حوصله شوند و بی‌تایی نمایند.»

{فرهنگ و هنر }

رمان‌های کرونایی!

بخش فرهنگی – این روزها همه جا در کانال‌ها و سایت‌های ادبی، بخش‌هایی از معرفی‌نامه دین ری کوئنتز دست به دست می‌شود؛نویسنده‌ای که سال ۱۹۸۱ در رمان «چشم‌های تاریکی» شیوع ویروس کرونا را نام «ووهان -۴۰۰» پیش‌بینی کرده بود!

چشم‌های تاریکی
این روزها همه جا در کانال‌ها و سایت‌های ادبی، بخش‌هایی از معرفی‌نامه دین ری کوئنتز دست به دست می‌شود؛نویسنده‌ای که سال ۱۹۸۱ در رمان «چشم‌های تاریکی» شیوع ویروس کرونا را با نام «ووهان -۴۰۰» پیش‌بینی کرده بود!این نویسنده آمریکایی، یکی از چهره‌های مشهور رمان‌نویسی در عرصه رمان‌های علمی–تخیلی است. ماجرای «چشم‌های تاریکی»، اما به قصه مادری برمی‌گردد که فرزندش را به اردو می‌فرستد؛ اردو در کوهستانی جنگلی برگزار شده است.

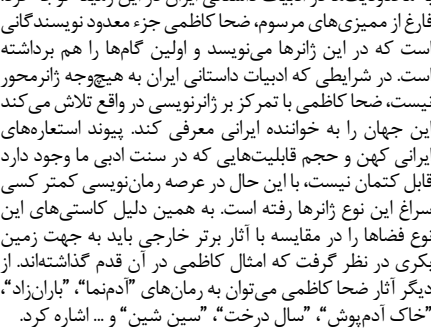
مادر مثل هر والدین دیگری توقع دارد که فرزندش تجربیات خوبی در این اردو به دست بیاورد، اما بعد از مدتی می‌فهمد که هیچ خبری از فرزندش و گروهی که همراه آن‌ها به اردو رفته نیست. اینجاست که خبر می‌رسد تمامی اعضای شرکت‌کننده در این اردو به همراه راهنما و حتی راننده مرده‌اند. کسی هم هیچ توضیحی برای این مرگ ندارد. فقط پیام‌هایی دست مادر می‌رسد مبنی بر اینکه پسرش زنده است. این معما به تدریج در طول رمان رمزگشایی می‌شود و قصه می‌رسد به چین؛ جایی که آزمایشگاهی چینی در حال ساخت ویروسی به نام «ووهان-۴۰۰» است. این ویروس قرار است در سال ۲۰۲۰ در تمام جهان منتشر شود. عجیب اینجاست عملکرد ویروسی که دین ری کوئنتز در رمانش از آن نام می‌برد دقیقا متمرکز بر ریه‌های انسان است؛ ویروسی که هیچ دارویی هم روی آن اثر نمی‌کند و راهی برای درمانش وجود ندارد. کوئنتز در رمانش این ویروس را صلاحی بیولوژیک علیه نسل بشر می‌داند که به دست عده‌ای ساخته شده تا بخشی از جمعیت جهان را نابود کند. این نویسنده تابستان

همین اسمال هم رمانی نوشته بود به نام «پنجره شب» که یکی از آثار پر فروش نیویورک‌تایمز بود. دین کوئنتز در این کتاب که پنجمین جلد از سری داستان‌های «چین‌هاک» است، داستان مأمور سابق **FBI** را در تعقیب گروهی مجرم روایت می‌کند. دیگر

رمان‌های سری داستان‌های «چین‌هاک» پیش از این با نام‌های «گوشای خلوت»، «اتاق زمزمه»، «راه‌پله کج» و «در ممنوع» منتشر شده بودند.



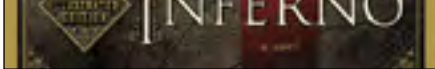
ژانر علمی-تخیلی در رمان‌های ایرانی، ژانری است که کمتر نویسنده‌ای به آن پرداخته. به همین دلیل هم نمونه‌هایی که بشود در این باره مثال زد، اندک است. با این‌حال جالب است بدانید که در رمان «کاج‌زدگی» نوشته ضحاکاظمی هم به موضوع شیوع بیماری اشاره شده. این رمان که از سوی انتشارات «چشمه» منتشر شده درباره آدم‌های شهری مسخ شده است که گوئی زیر قدرتی ناظر در هراس‌اند. بیماری مرموزی پیرامون آن‌ها وجود دارد که همه تلاش می‌کنند از شرّ آن خلاص شوند. این رمان به هفت بخش تقسیم شده که هر بخش نام یکی از شخصیت‌های داستان است: صد و هشتاد، بامداد، ماهور، سرو، باران، مهتاب و سایه. برخی از بخش‌ها از زبان سوم‌شخص و برخی دیگر از زبان اول‌شخص روایت می‌شوند. البته شاید عده‌ای با مطالعه آثار کاظمی در ژانر فانتزی و علمی-تخیلی بخواهند آن را با برخی شاهکارهای جهانی مقایسه کنند؛ به‌خصوص نسل جوان‌تر که امروز بیشتر به این نوع کتاب‌ها دسترسی دارند. برای همین باید به محدودیت‌ها در ادبیات داستانی ایران در این زمینه توجه کرد. فارغ از ممیزی‌های مرسوم، ضحاکاظمی جزء معدود نویسندگانی است که در این ژانرها می‌نویسد و اولین گام‌ها را هم برداشته است. در شرایطی که ادبیات داستانی ایران به هیچ‌وجه ژانرمحور نیست، ضحاکاظمی با تمرکز بر ژانرنویسی در واقع تلاش می‌کند این جهان را به خواننده ایرانی معرفی کند. پیوند استعاره‌های ایرانی کهن و حجم قابلیت‌هایی که در سنت ادبی ما وجود دارد قابل کتمان نیست، با این حال در عرصه رمان‌نویسی کمتر کسی سراغ این نوع ژانرها رفته است. به همین دلیل کاستی‌های این نوع فضاها را در مقایسه با آثار برتر خارجی باید به جهت زمین بگری در نظر گرفت که امثال کاظمی در آن قدم گذاشته‌اند. از دیگر آثار ضحاکاظمی می‌توان به رمان‌های «آدم‌نما»، «پاران‌زاد»، «خاک آدم‌پوش»، «سال درخت»، «اسن‌شین» و … اشاره کرد.



جان مندل، نویسنده کانادایی رمان «ایستگاه ۱۱»، متولد دنمان ایسلند در غرب بریتیش کلمبیا است، او اولین رمانش را سال ۲۰۰۹ منتشر کرد؛ رمانی با عنوان «آخرین شب در مونترال». «ایستگاه ۱۱» چهارمین رمان او بود که در سال ۲۰۱۵ برنده جایزه اترور سی کلارک انگلستان و جایزه کتاب تورنتو شد. این رمان همچنین نامزد جایزه ملی کتاب آمریکا و جایزه پن/فاکتز بود. ماجرای رمان از روزی آغاز می‌شود که نوعی اپیدمی وحشتناک جهان را گرفته‌است. این اپیدمی محصول شیوع نوعی ویروس شده‌است و نویسنده بعد از این ناپودی را هم روایت می‌کند؛ ناپود شده‌اند و نویسنده بعد از این ناپودی را هم روایت می‌کند؛ در میان گروهی که سفری را آغاز کرده‌اند تا آثار شکسپیر را اجرا کنند. این رمان با ترجمه پگاه صمدزاده از سوی انتشارات «تیماز» چاپ شده است. ماجرای رمان «ایستگاه ۱۱» در واقع روایت زندگی بازماندگان فاجعه‌ای عظیم و تلاش آن‌ها برای زنده ماندن و حتی ارتقای کیفیت زندگی‌شان است. آن‌ها در شرایط وحشتناک جهان تلاش می‌کنند زندگی را برای خود و

کشورمان، محمد جدادی و از سوی انتشارات «کتابسرای تندیس» منتشر شد؛ رمانی که نویسنده آن، جاستین کرونین، ۱۰ سال برای نوشتنش وقت گذاشت. منتقدان و خوانندگان حرفه‌ای از آن با عنوان یکی از رمان‌هایی یاد می‌کنند که به نوعی کارگاه داستان نویسی است و مهارت و قدرت نویسنده در روایتگری را نشان می‌دهد. ضمن اینکه برای علاقه‌مندان فضاهای آخرازمانی هم پیشنهادی کم‌ظنیر به شمار می‌آید. بخش‌های اول و دوم این سه‌گانه با نام‌های «گذرگاه» و «دوازده» در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ منتشر شد و «شهر آینه‌ها» هم در سال ۲۰۱۶. این مجموعه پر فروش‌ترین سه‌گانه نیویورک‌تایمز هم بود و در ایران هم با استقبال خوانندگان مواجه شد. حتی تحسین و تعریف یکی از مشهورترین نویسندگان ژان رمان‌های ترس و علمی–تخیلی، یعنی استیون کینگ را هم به دنبال داشت.

ماجرای رمان به ویروس جدیدی برمی‌گردد به نام «فاینینگ» که در رمان از آن با عنوان «مورد صفر» یاد می‌شود؛ ویروسی که قادر است انسان‌ها را تبدیل به خون‌آشام کند. حکومت تصمیم می‌گیرد برای آزمایش تولید واکسن علیه این ویروس از محکومین به اعدام استفاده کند. در واقع می‌خواهد تست واکسن را روی کسانی انجام دهد که مرگ‌شان قطعی شده. به این ترتیب ۱۲ نفر محکوم به اعدام انتخاب می‌شوند، اما واکسن روی هیچ‌کدام‌شان تأثیری ندارد، چون همگی به خون‌آشام تبدیل می‌شوند و هیچ بهبودی حاصل نمی‌شود. اما درباره نویسنده رمان باید گفت جاستین کرونین در سال ۱۹۶۲ در نیویانگلند آمریکا به دنیا آمد. او دوره کارشناسی‌اش را در دانشگاه هاروارد در رشته ادبیات انگلیسی گذراند و پس از آن برای ادامه تحصیل وارد رشته نویسندگی در دانشگاه آیووا شد. کرونین حالااستاد دانشگاه رایس در تگزاس است و برای نوشتن رمان‌هایش جوایز متعددی به دست آورده. سه‌گانه «گذرگاه» او ترکیبی است از ژانرهای وحشت، علمی-تخیلی و فانتزی. جالب اینجاست ایده اولیه داستان در سال ۲۰۰۶ به پیشنهاد دختر نویسنده در ذهن او شکل گرفت.



دن براون با رمان «رمز داونچی» به شهرتی چشمگیر رسید. او بعدها در رمان‌های «نماد گمشده» و «منشا» به همان صورت که تلاش می‌کرد حقیقتی داستانی را از دل وقایع تاریخی و مکان‌ها بیابد، کارش را ادامه داد. در رمان «دوزخ» هم به ویروسی می‌پردازد که به شکلی اتفاقی فعال می‌شود و در دی‌ان‌ای انسان تغییراتی به وجود می‌آورد؛ تغییراتی که یک سوم نسل بشر را مبتلا می‌کند. خودش درباره این رمان می‌گوید: «هر چند در دوران دانشجویی «دوزخ» داتته را خوانده بودم، اما تا همین اواخر متوجه تأثیر ماندگار آن بر دنیای مدرن نشدم. در این رمان جدید، بسیار هیجان‌زده بودم که خواننده را به دنیایی اسرارآمیز می‌برم؛ دنیای رمزها، نمادها و ده‌ها گذرگاه مخفیانه.»

ماجرای رمان از جایی شروع می‌شود که رابرت لنگدان به هوش می‌آید و خود را مجروح، روی تختی در بیمارستانی ناشنا می‌بیند. پس از آنکه پزشکان وضعیتش را برایش شرح می‌دهند، متوجه می‌شود با خانه و شهر خود کیلومترها فاصله دارد و حافظه چند روز گذشته‌اش را نیز از دست داده است. فردی که ظاهرا مجروحش کرده دوباره سراغش می‌آید و پس از کشمکش خونین، لنگدان به همراه یکی از پزشکان از بیمارستان فرار می‌کند و پای در مسیر مأموریتی می‌گذارد که چیزی از آن را به یاد ندارد. مطابق معمول دیگر کتاب‌های دن براون، او از موقعیت‌های جغرافیایی قهرمان و داستانش نهایت استفاده را می‌برد و اطلاعات تاریخی و هنری مسبوطی درباره مکان‌ها و آثار تاریخی این سه شهر در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. در بخشی از رمان می‌خوانیم: «رابرت لنگدان در حالی که این کلمات در سرش طنین می‌انداختند، روی تخت بیمارستان از خواب بیدار شد. تصویر گنگ از زنی مو نقره‌ای همراه با اجسادی که کنار رودخانه‌ای خونین در خاک و خون می‌غلغلتیدند در ذهنش حک شده بود. دردی پشت سرش حس می‌کرد و نمی‌دانست چرا در بیمارستان است که ناگهان در تاریکی شب برچی آشنا در آن سوی پنجره نگاهش را به خود جلب کرد…»



استیون کینگ، چهره سرشناس ژانر وحشت است. شاید همین مایه‌های هراس هم باعث شده رمان «ایستگاه» شکل بگیرد؛ داستانی که شهری را پس از شیوع ویروسی مرگبار به تصویر کشیده‌است. این ویروس شبیه آنفلوآنزا، اما بسیار وحشتناک‌تر است چرا که عده‌ای در آن دست برده‌اند و حالا تبدیل به نوعی سلاح بیولوژیک شده‌است. رمان «ایستگاه» از رمان‌های مشهور استیون کینگ است و گفته شده به زودی با اقتباس از این رمان، یک سریال ۱۰ قسمتی برای تلویزیون ساخته می‌شود.

«ایستگاه» قرار است به کارگردانی جاش بون، سازنده «نقص ستارگان» که به فیلمی پر فروش تبدیل شد، ساخته شود. از همین حالا هم مشخص است که مخاطبان زیادی خواهد داشت. به هر حال این روزها ماجراهای آخرازمانی بین مخاطبان ویروس‌ها زیاد می‌شود و برای طرفداران زیادی دارد و کتاب «ایستگاه» هم به تنهایی یکی از آثار پر فروش کینگ بود. در این رمان با هراسی اجتماعی مواجه هستیم چرا که اعتماد عمومی به جهت دستکاری ویروس آنفلوآنزا از بین رفته است. این دستکاری باعث شده است که ویروس، جهشی وحشتناک داشته باشد. قدرتمندان نیز با در دست گرفتن این سلاح خطرناک، دیگران را تهدید می‌کنند و وضعیتی به وجود آورده‌اند که آستن هرگونه دلهره و هراس است. برای همین این اثر کینگ در عین داشتن مؤلفه‌های رمان‌های علمی-تخیلی، همان هراس همیشگی را با خود دارد. ضمن اینکه به جهت فضای آخرازمانی، اتمسفر رعب و ترس در آن پرنگ‌تر هم شده است. از آثار این نویسنده اقتباس‌های فراوانی انجام شده است که «درخشش»، «راز»، «رستگاری در شائوشنگ» و «مسیر سبز» در جمله بهترین‌شان هستند. خودش درباره انواع و اقسام پیشنهادهای اقتباس سینمایی می‌گوید حوصله‌اش از نامه‌ها و ایمیل‌هایی که در این سال‌ها به ستمش سرزایر می‌شود سر رفته است. مقصودش البته پیشنهادهای کارگردانانی است که به محض خواندن جدیدترین آثار کینگ، ایده شکل دادن آن در قالب فیلمنامه به ذهن‌شان می‌رسد و به جهت حضور نام استیون کینگ مطمئن هستند دست‌کم بخشی از سرمایه را هم بازخواهند گرداند.

دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۸

خبر



کرونا، چین و روم و ری تو نشانی را غلط آمده‌ای!

سیدعلی صالحی
ای حرام‌زاده لاپراتوار اهرمین، تو نمی‌توانی ما را نسبت به معجزه امید… بی‌پاور کنی. خانواده مشترک بشری از گردنه این بیم و از سلاسل این بلا عبور خواهد کرد. فرض لگد که صبح‌ا سر در ستم، بسپاران را درو کردی، فرض لگدِ نخست را تو زدی، با سوتِ پایان چه خواهی کرد؟

چندی پیش هیچ تصویری از تو نبود، چندی بعد هم هیچ

هراسی از تو نخواهد بود. هرچند هزینه‌ها داده و تلفات تحمل کرده‌ایم، اما مثل تو مودی نابکار کم ندیده‌ایم. بی‌برق

بیادد تو را نیز به زیر می‌کشیم. جنگ است دیگر! و بارِ نخست نیست که مرگ برای محاصره مردم ما دست به تب و تیغ می‌شود. ممکن است حتی یکی در میان فرو بریزیم، اما با قامت آراسته می‌میریم. تو نشانی را غلط آمده‌ای. تو بی‌رخصت… رگزن ملتی آمده‌ای که در هر شرایطی مهبیاست تا برای زندگی بمیرد. این سرزمین ظلم‌ها و ظالمان بسیاری به خود دیده است… تو هم یکی! من در روستای مزرغاب به عهد طفولیت و نوجوانی بارها مُردم از ملال طاعون، وبا، مالاریا، سرخک، حصه و بیماری‌های مخوف و مخفی دیگری که مردم بی‌پناه آن ایام از سر بی‌خبری آن‌ها را کار جن و نفرین آل و «چی» و «کهمیر» می‌نامیدند. در آن ایام بی‌کسی، حرام از حتی D.D.T.

همه این فجایع دلیل بر این نمی‌شود که هزار سال بعد (به ذهن و نه به تقویم) امروز را آن روز بدانیم. ناگهان دهی چهل روستاها خالی و حواشی شهرها فریه شد. بی‌دفاع مانده‌گان از مرگ می‌گریختند، اما زیر لایه این نارسایی‌های همه سویه و بیماری‌های بلاخیز، زُردره و واکسن صبر ساخته شد تا نزدیک به نیمه دوم دهه پنجاه

خورشیدی. مردم علیه فرظینه سیاسی روزگار خود، کپسول و کیباده ظالمان را شکستند؛زیرا همواره در پی شغای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بودند.

باری در این ایام هم باز این مردم با دست خالی به جنگ ویروس وحشت می‌روند. این جادوی شیطانی فقط می‌تواند ما را بکشد، بی‌خبر آن که ما پیش از این تاریخ بسیار کشته شده و کشته داده‌ایم.

دروست است دست‌مان خالی است اما دلمان دلیر و پُر

است. مهم نیست این حرام‌زاده مولود کدام لاپراتوار تقویتی

است. ما با این بی‌داد، با این «بیوتوربسیم» می‌جنگیم. بنا

به درد تاریخ و تجربه درد، مردم ما نکتب‌شناس شده‌اند.

پایان کار مهم است. لگد اول از شما، اما سوتِ پایان با

ماست. مثل همه جنگ‌ها، تلفات بیشتری خواهیم داد،

اما به زانو در نمی‌آییم. زودا خبر نهایی، خبر بزرگ، اعلام خواهد شد.

ای حرام‌زاده لاپراتوار اهرمین، تو نمی‌توانی ما را نسبت به معجزه امید… بی‌پاور کنی. خانواده مشترک بشری از گردنه این بیم و از سلاسل این بلا عبور خواهد کرد. فرض لگد که صبح‌ا سر در ستم، بسپاران را درو کردی، فرض لگدِ نخست را تو زدی، با سوتِ پایان چه خواهی کرد؟

●●●●●

علیخانی هم برای برنامه «عصر جدید»، مجوزش را از همان جایی می‌گرفت که مهران مدیری گرفت!

بخش فرهنگی – بحث بر سر ضبط برنامه‌های «دورهمی» و «عصرجدید» با حضور تماشاگران در حالی که کرونا در حال شیوع است، داغ شده؛ چه کسی مجوز این جمع شدن مردم در یک محیط بسته را داده است؟ توییت تازه علیرضا وهاب‌زاده، مشاور مطبوعاتی وزیر بهداشت را در این‌باره بخوانید.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، «دورهمی»، «عصر جدید» و «خندوانه» سه برنامه تلویزیون هستند که حضور تماشاگران از ارکان مهم ساخت آنان است. پس از شیوع کرونا، در حالی‌که رامبد جوان تصمیم گرفت تولید «خندوانه» را متوقف کند، اما مهران مدیری و احسان علیخانی راه دیگری را در پی گرفتند.

علیرضا وهاب‌زاده، فعال رسانه‌ای و مشاور وزیر بهداشت، پس از آن‌که از حضور نزدیک به ۴۰۰ تماشاگر در ضبط برنامه «دورهمی» انتقاد کرد، در توییتی دیگر، در همین رابطه به احسان علیخانی کنایه زد. او نوشت: «روزدوم شیوع کرونا، احسان علیخانی تماس گرفت و برای ضدعفونی محل ضبط برنامه و چک کردن تماشاگران عصر جدید ترتیب‌ها، مدیریت کل روابط عمومی صداوسیما، داشته است. برای مثال او یک بار توییت کرده است: «دیدم در توییتز حملات همه جانبه‌ای علیه «دورهمی» انجام دادند، که چرا با وجود کرونا هم‌چنان با حضور تماشاگر برگزار می‌شود. همان‌طور که معاون سیما اعلام کرد، این کار با کسب مجوز و رعایت حداکثری نکات بهداشتی، در حضور پزشکان متخصص انجام می‌شود.» و در توییتی دیگر نوشته: «این شرایط سخت، فقط هم مختص دورهمی نیست و در مسابقات «پیران» و «کودک شو» نیز همین کار با همین هدف انجام میشه. دم همه مردم و شرکتان عزیزم، گرم و خدا قوت.»

در این رشته توییت‌ها، اما چه مهم به‌نظر می‌آید، این است که مجوز حضور صدها تماشاگر در برنامه‌هایی چون «دورهمی» و «عصر جدید» در روزهای شیوع کرونا، از کجا صادر شده است.